

عوامل ترقی و انحطاط

ترقی و تنزل ملل مولود علل و اسبابی است که بعضی از آنها بدرجهٔ بارز و آشکار است که عقول متوسطه نیز میتوانند بقوری آنرا دریابند، و برخی بحدی مخفی و پنهان است که فهم آن جز برای صاحبان عقول راقیه و افکار عمیق میسر نیست. مثلاً اگر بشنویم که عزت و سیادت و تمول فلان ملت باسارت و فقره و فاقه مبدل گردیده بالاتامل آنرا به فساد هیئت حاکمه یا نقصان زراعت و تجارت و یا جهل ملت نسبت می دهیم، و اصلاح آنرا منوط باصلاح حکومت یا نشر علم و عرفان و یا ترقی دادن صنعت و اصلاح زراعت میدانیم.

البته این مسائل از بدیهیات است و دو نفر عاقل اختلاف ندارند که جهل سرمایه تمام بدبختیها است، و در کشوری که تاریکی جهل فرا گرفت تا بنور علم و دانش آنرا بر طرف نمایند سعادت و خوشبختی برای سکنه آن سر زمین حکم عنقا خواهد داشت. و در کشوری که نور دانش پرتو افکند اگر آن کشور بمثابه کوبر جزیره العرب باشد به بهشت برین مبدل میگردد.

ملت جاهل مانند حیوان با منتهای مذلت و پستی زیست مینماید و ابدأ احساس آنرا نمیکند، و اگر حیواناً هم احساس نماید مثل حیوان بارکش است که احساس زحمت بار مینماید ولی علت آن و راه نجات را تشخیص نمی دهد، و بزرگتر دلیل تأثیر علم و جهل در ترقی و انحطاط ملل اینست که ملل مستقل آزاد ولی جاهل در نتیجهٔ جزئی پیش آمدی استقلال خود را از دست می دهند. لیکن پس از اسارت در سایهٔ علم و دانش مجدداً خود را از بندگی نجات می دهند، و برای همین است که دول استعماری اقتباس هر نوع وسایل ظاهری تمدن را آزاد میگذارند، ولی در راه نشر علم و عرفان هزارها مانع مخفی و اشکالات دقیق ایجاد مینمایند. مثلاً کشیدن خط آهن آبیاری زمین های بایر، تأسیس کارخانه های صنعتی، تشکیل کمپانی های تجاری، و هزارها امثال آن که بروح ملت مغلوب ارتباطی ندارد، بدون

قید و شرط آزاد میگذارند، ولی پروگرام های مدارس و کتب درسی و مجلات و جراید را تا بتوانند محدود میکنند، و باندازه که به يك روزنامه و مجله، یا پروگرام يك مدرسه ابتدائی اهمیت می دهند بصد ها کمپانی صنعتی و تجاری اهمیت نمی دهند. همینطور مسلم است که فساد هیئت حاکمه و شیوع ظلم و رشوت و غرض ورزی مصادر امور و سلب امانت و درستکاری از مآه ورین دولت که موجب سلب اطمینان و آسایش از مردم میشود، هر کشور آبادی را بکویر سوزانی مبدل مینماید، ولی چون این مسائل بواسطه تکرار زیاد جزء بدیهیات شده و اغلب نویسندگان در این باب داد سخن داده اند و مخصوصاً در قسمت اهمیت معارف و تأثیر آن برای احیاء و نشور ملت و ضرورت قائدین دانای مخلص شجاع و بیغرض و ملت دوست، دانشمند معظم آقای تقی زاده مجال سخن برای دیگری باقی نگذارده است (۱)

ما در این مقاله از آن قسمت صرف نظر کرده علل و موجبات دیگری را که شاید بهمان درجه دارای اهمیت است ولی از نظر اغلیبی پنهان است ذکر مینمائیم

۴۷۲

زن زن یکی از عواملی است که علماء اجتماع آنرا در درجه اول اهمیت قرار میدهند، چه تمام فلاسفه جهان از اقدم ازمئه تاریخ تا امروز متفقند که عامل اصلی ترقی و تنزل ملل اخلاق است، و چون مرد قسمت عمده اخلاق نیک و بد را از زمان طفولیت تا دم مرگ از زن فرا میگیرد، بدیهی است که اگر زن دارای اخلاق فاضله و صفات حمیده باشد مرد نیز بدان اخلاق متخلق خواهد شد، علاوه بر این مرد طبعاً

(۱) بر تمام ارباب فکر و قلم و هر شخصی که سعادت ایران علاقه دارد فرض است، که در این صیحه حقی که آقای تقی زاده سالیان دراز راجع بتعلیم و تربیت عمومی بلند کرده ام آواز شده تمام فکر و قوای خود را بجای اینکه مصروف راههای دیگر ترقی کنند صرف این کار نمایند، زیرا معارف خود کفیل اصلاح سایر رشته های ترقی خواهد بود مسئله معارف و سایر لوازم تمدن بعینه مثل عدد صد و نود و نونه است که پس از حصول عدد صد طبعاً دارای عدد نود و نه خواهیم بود، و بدون آن هر قدمی که بر داریم شبیه بحرکت عقربك ساعت است که اگر صد سال در حرکت باشد از دایره ساعت تجاوز نمینماید، اگر دوست سال دیگر در اخذ وسائل ظاهری تمدن بکوشیم بدون معارف بهیچ جا نخواهیم رسید، پس از دوست سال ناچاریم که همین کاری را که امروز باید کرده باشیم بکنیم

تحت تأثیر زن واقع میشود، و بسیاری از کارها را فقط محض جلب توجه یا رضایت او انجام میدهد، چنانکه بسا دیده شده مردی ذاتاً مقتصد و صرفه جو بوده ولی عیالش او را مجبور به دست بازی و تبذیر نموده است. و بسا میشود که مرد برای اطفاء شهوت تجمل دوستی زن، که نتیجه سوء تربیت است مجبور میشود که از راه ناسا مشروع با کتساب ثروت اقدام نماید، همینطور خیلی دیده شده که یکنفر مبذر بعد از تأهل در نتیجه نصایح عیالش صرفه جو و مقتصد گردیده است، و هکذا زیاد اتفاق افتاده که یکنفر بد اخلاق و متکبر و خود پسند بعد از ازدواج متواضع و خوش اخلاق شده است، در جنگ نیز خیلی دیده شده که یک قشون شکست خورده و متزلزل که قائدین بزرگ توانسته اند از شکست آن جلو گیری نمایند طعنه و سرزنش یک زن باعث یا فشاری و ثبات و غلبه آن قشون گردیده است خلاصه زن از آن عوامل پنهانی است که در تکوین ملت بیش از هر عاملی مؤثر است و یک ملتی که میخواهد واقعا باصلاح امور خویش بپردازد باید تعلیم و تربیت زن را در درجه اول اهمیت قرار دهد (۱)

دیگر از عوامل مخفی ترقی ملل صفت عفت و پاکدامنی است، عفت، یعنی اجتناب از رفائیل مخصوص فحشاء بی اندازه در ترقی ملل دخالت دارد، زیرا در میان ملتی که عیاشی و فحشاء شیوع پیدا نمود، همت و شجاعت و نشاط که از لوازم حتمی زندگانی است در میان آنها رو بضعف گذارده همه تمیل و ضعیف النفس و کوچک خیال بارمی آیند، و چنین ملتی قوای فکریش نیز رو بتحلیل میگذازد و بالاخره قادر بانجام هیچ امری نخواهد بود. تاریخ شهادت میدهد که ملل بزرگ دنیا بواسطه ابتلاء باینمرض خانمانسوز، عزت و سیادت خود را از دست داده و اسیر دیگران شده اند، و دلیل آن هم این است که وقتی این مرض مهلك در میان مصادر امور يك مملکت رواج یافت از

(۱) بدبختانه هنوز ملت ایران چنانکه باید و شاید باین مسئله حیاتی یعنی تعلیم و تربیت زن توجه ننموده است، و اگر چند باب مدرسه دخترانه در مرکز و ولایات تأسیس شده بسکلی فاقد اصول تربیت صحیح است که بتواند مادرهای لایق با اخلاق شجاع برای نسل آینده ایران تهیه کند

یکطرف آنها را از تفحص حال رعایا و نظر در مصالح عامه باز میدارد ، و باین واسطه عمال و مأمورین زیر دست ، دست تطاول و تعدی بشؤون مردم دراز می نمایند ، و در نتیجه سلب آسایش از مردم شده ، تجارت و زراعت رو بنقصان می گذارد و مثلاً همه پربشان کشته و امور مملکت مختل می گردد . از جهتی هم عیاشی که تجمل دوستی نیز از لوازم آن است مستلزم مخارج زیاد است و لهذا ناچار میشوند که برای حصول کاهرانی بهر وسیله ایست پول تهیه کنند ، آنکه رشوه گیری و ولایت فروشی و حراج گذاردن رعایا شروع می شود ، باین معنی که هر کس بیشتر پول داد مناصب دولت باو تفویض مینمایند و بدین طریق یکعده طماع بی رحم و بی وجدان بر جان و مال و نادوس رعایا و طبقه مولد ثروت مسلط می سازند ، و چنین مردمان فرومایه طوری روزگار طبقه رنجبر و دهقانان سیاه میسازند که همه دست از شغل و کار کشیده ، یا بممالک خارجه مهاجرت مینمایند ، و یا همه شهرهای داخلی رو آورده ، بجای مالدارى و زراعت و باغبانی ، بگدائی و کارهای پست مشغول میشوند ، و اگر دارای جزئی هنر و لیاقتی هستند بهر طریقی است خود را در زمره مستخدمین دولت در آورده جز غارتگران میشوند و هر قدر که از عده طبقه مولد ثروت میکاهد بهمان اندازه عایدی دولت و دخلهای مأمورین رو بنقصان میگذازد ، و چون بواسطه عادت کردن بتبذیر و اسراف نمیتوانند از خرج بکاهد بار طبقه از دست رفته را بر دیگران تحمیل مینمایند و بواسطه این روش مشؤم کلیه طبقه زحمت کش از پا در آمده فقر و پریشانی تمام مملکت را فرا میگيرد ، و نتیجه این میشود که تمام طبقات از هیئت حاکمه متنفر کشته ، در هر طرف علائم طغیان و تمرد ظاهر شود ، در این بین دشمن خارجی موقع را مفتنم شمرده با دست خود مردم کار انمملکت را می سازد (۱)

(۱) هر کس میخواهد در اینموضوع بیشتر احاطه پیدا کند بمقدمه فیلسوف شهیر ابن خلدون مراجعه نماید

قمار

قمار نیز یکی از امراض اجتماعی است که در میان هر قومی شیوع پیدا نمود دیر با زود رشته الفت و اجتماع آنها را پاره مینماید، زیرا قمار علاوه بر اینکه تنبلی و بیکاری را ترویج میکند، اخلاق خوب اجتماعی که عبارت از حسن تعاون و شفقت و دلسوزی بحال دیگران و ترجیح مصالح عمومی بر نفع شخصی و امتثال آن که بدون آن بقاء و دوام هیچ ملتی متصور نیست محو مینماید، و بجای آن خوی حرص، و طمع، و کینه و پایمال نمودن مصالح عمومی برای جزئی منفعت شخصی ایجاد مینماید، قمار باز جز تحصیل مال بی زحمت هیچ چیز بخاطر خود خطوط نمیدهد، برای یول از برادر و فرزند میگذرد، و بدیهی است کسی که نسبت به برادر و فرزند نا مهربان باشد، نسبت به جامعه و هموطنان خویش نا مهربان تر خواهد بود و معلوم است که تا وقتی در میان قومی مهربانی و دلسوزی بحال یکدیگر موجود نباشد، رستگاری آن قوم ممتنع بلکه محال است، دیگر از عوامل ترقی و تنزل ملل، اداره منزل و طرز زندگانی خانوادگی است، زندگانی خانوادگی با آنکه بنظر اشخاص ظاهر بین برای جامعه کم اهمیت مینماید، بی اندازه در ترقی و تنزل ملل دخالت دارد، زیرا اگر زندگانی خانوادگی یک ملتی مرتب و منظم گردد طبعاً کار اجتماعی آن ملت نظام خواهد یافت، مثلاً اگر خانواده ها عموماً عقیف و پاکدامن و راستگو و شجاع بار آیند جامعه که از اینگونه خانواده ها ترکیب مییابد، حتماً عقیف و پاکدامن و راستگو و شجاع خواهد بود، همینطور اگر مردم در زندگانی خانوادگی طریقه اقتصاد و صرفه جوئی پیش گیرند علاوه بر اینکه صرفه جوئی ملکه آنها خواهد شد، و اگر متصدی امور جمهور گردند، همان رویه را نسبت به بیت المال ملت اتخاذ مینمایند، چنین جامعه هیچگاه گرفتار فقر و پریشانی نخواهد شد، ولی اگر خانواده ها مبتلا باسراف و تجمل دوستی گردند همانطور که هر خانواده منفرداً دوچار عسرت و بدبختی میشود آن جامعه نیز بهمین درد مبتلا میگردد، و اشخاصی که از میان آنها مصدر کار مملکت میشوند، چون از کودکی در خانواده خویش بتبذیر و اسراف عادت کرده اند نسبت به بیت المال ملت نیز همان معامله کرده

خزانه را فقیر و پریشان می‌نمایند و چون در خانواده خود همیشه بطواهر اهمیت داده اند، در کارهای اجتماعی نیز مسائل مهم حیاتی که چندان ظاهر و آشکار نیست بزمین گذارده، بکارهای بی اهمیت ظاهر نمایند و از گذشته از این اشخاصی که در خانواده خویش بترتیب و انتظام و اعتدال در زندگانی عادت کرده اند فکر آنها نیز صحیح تر و بحقیقت نزدیکتر است زیرا آنها چون همیشه بحقیقت مجرد نگریسته اند زودتر میتوانند حقیقت را درک نمایند، بخلاف کسی که بیوسنه بفکر آرایش لباس و رعده و برق ظاهری و لقمه های چرب شیرین و عیش و نوش بوده هیچ گاه مجال آنرا نمییابد که یک فکر صحیحی کند و یا طرح نوینی بریزد، و همواره فکرش بی اختیار متوجه این قبیل مسائل میشود که بدان عادت کرده است مثلاً چون اغلب هموطنان ما خاصه اهالی محترم پایتخت باین قبیل مسائل بیشتر عادت کرده اند وقتی که بیکی از نواحی مملکت مسافرت مینمایند، بجای اینکه متوجه مسائل اساسی از قبیل کار انداختن منابع ثروت، تعلیم و تربیت عمومی، رفع ظلم و تعدی از رعایا، تنزل و ترقی زراعت و تجارت و صنعت آن حدود کردند، فوری فکر آنها متوجه این میشود که لباس و روبنده زندهای بندر عباس خیلی بد نما است و باید اصلاح شود، و یا اگر خیلی بالا روند، میگویند فلان شهر خیابانی مثل لاله زار لازم دارد، و حکایاتی معمول از قبیل اینکه اهالی بنادر در تابستان در خمسه آب می نشینند برای همشهریهای خویش ارمغان می آورند، ولی هیچ گاه نشده که یکی از آن آقایان یک طرحی بریزد که بجهت وسیله ملت ایران میتوانند از آن ثروت عظیم خلیج فارس یعنی مروارید که همه بجیب عرب های جزیره العرب و هندیهامیرود بهره قابلی ببرند و یا بجهت طریقی میتوان از منابع ثروت خوزستان و آن رود های عظیم و زمین های حاصلخیز استفاده نمود، چرا؟ برای اینکه در خانواده خویش آنطور فکر کرده اند و همانطور بار آمده اند، لیکن شخص اروپائی چون در خانواده خویش طوری دیگر فکر و زندگانی کرده، چیزهای دیگر می بیند و طور دیگر فکر میکند که هیچگاه بخاطر ما خطور نمی نماید.

(بقیه دارد)